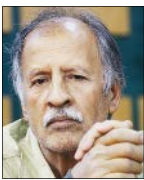


## زندگی را از سینما حذف نکنیم



نویسنده و منتقد سینما

نیز کارش را شروع کرده است. اشاره به نکته‌ای ظاهرا ساده و پیش‌یافتاده اما کلیدی به‌منظور توجه داوران خالی از فایده نیست. طی چند روز گذشته، یعنی بعد از اعلام اسامی اعضای انتخاب‌آثار بخش مسابقه، موضوعی در فحوای کلام برخی از این هیات مطرح شد که بازتاب آن، منهای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، تیرر رسانه‌های واقعی و رسمی را نیز به خود اختصاص داد و آن هم مقوله‌ای محتوایی تحت عنوان «تلخی و سیاهی» در بطن و متن فیلم‌های جشنواره است.

ابزار نظر برخی از اعضای هیات انتخاب جشنواره مبنی بر این‌که در جشنواره پیش‌رو دیگر شاهد فیلم‌های تلخ و سیاه نخواهیم بود و انتشار گزارش این گرایش در قالب گفت‌وگو توسط روابط‌عمومی جشنواره و ارسال آن برای رسانه‌ها، حکایت از تششت و خلط در موضوع و فقدان نگاه استراتژیک سیاستگذاران و برگزارکنندگان این رویداد موثر دارد. این تلخ مانند بدیهی و روشن است که میان تلخی و سیاهی فاصله موضوعی بدیهی و روشن است که میان تلخی و سیاهی رنگ است. طعم از زمین تا آسمان است. تلخی طعم و سیاهی رنگ است. طعم تلخ مانند هر طعم دیگری جزو لاینفک زندگی است. شوری، شیرینی، گش... شاید اغراق نباشد اگر بگوییم بخش اصلی واعم پروسه زندگی را طعم تلخ تشکیل می‌دهد.

در واقع این تلخی است که حلاوت شیرینی پس از چشیدن طعم تلخ را دوچندان می‌کند. اساسا مگر می‌توان زندگی را بدون تلخی منصور شد. تلخی و شیرینی دو روی سکه‌اند. آوردن نقل قولی از کتاب «پیامبر» نوشته «جبران خلیل جبران» برای درک این مفهوم بد نیست ؛ «این دو با هم می‌آیند و هرگاه که شما با یکی از آنها سر سفره می‌نشینید، به یاد داشته باشید که آن دیگری در بستر شما خفته است.» اما قضیه سیاهی کاملا فرق می‌کند. سیاهی رنگی است که میانه‌ای با طعم ندارد بلکه قیقا و تحقیقا پیامیدی چون یاس و ناامیدی در پی دارد.

گفته شده بالاتر از سیاهی رنگی نیست، لذا هنر ماهیتا در تضاد با سیاهی و بالطبع ناامیدی و یاس و بن‌بست است. مرز بین تلخی و سیاهی نیز کاملا میرهن و شفاف است. بنابراین هم‌ردیف و هم‌وزن دانستن این دو مقوله، انحراف در نظریه‌پردازی و درک این تمایز نیز اصلا هم سخت و غیرممکن نیست، مشروط براین‌که اول تفاوت این رویکردها را بدانیم و برتاییم. با مروری بر فهرست فیلم‌های همه ادوار تاریخ سینما شاهدیم که وجه غالب این آثار را تلخی تشکیل می‌دهند؛ فیلم‌هایی که در همه اجزای موضوعی، محتوایی، ساخت و پرداخت، قهرمانان‌شان از مسیرهای پرپیچ و خم آکنده از تلخی عبور و به‌روشنی و رجا رسیده‌اند. این چنین ماندگار شده‌اند، چون خود زندگی را بازتولید کرده‌اند، اتفاقی که برخلافش یعنی سیاهی پدیده‌ای مستلزم زندگی نیست که برعکس ضدزندگی است.

برای نمونه اشاره می‌کنم به فیلم‌هایی مانند «خوشه‌های خشم» یا «دره من چه سر سبز بود»... آیا از خوشه‌های خشم تلخ‌تر هم داریم؟ دوسوم فیلم به‌شدت گزنده است اما مردمانش می‌ستیزند تا در پایان با امید مسیر دیگری را شروع کنند. بازنامایی تلخی زندگی در سینما تجربه‌ای را عینیت می‌بخشد که مخاطب در زندگی با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند.

حالا اگر جریانی سینمایی تلخی را مترادف سیاهی بداند و آگاهانه بی‌جوی حذف تلخی از قصه‌های سینمایی باشد، یعنی دارد عملا و علنا زندگی را از سینما حذف می‌کند. در این صورت جای این حدیثات را چی خواهد گرفت؟ هرچه باشد ربطی به زندگی مردم ندارد بلکه عملیاتی است که نتیجه‌اش اختگی سینما خواهد بود.

رضا کبابیان که حالا در سال‌های آغازین ۷۰ سالگی قرار دارد، در گفت‌وگویی با نشریه چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از فراز و فرودهای فکری‌اش طی این سال‌ها می‌گوید و در خلال صحبت‌هایش متذکر می‌شود: «از زمان دولت احمدی نژاد به جشنواره نرفتم. باید بگویم در دهه‌های قبل، جشنواره‌های فیلم فجر کیفیت بهتری داشت و فیلم‌های بهتری تولید می‌شد اما از زمان احمدی نژاد

## جشنواره فیلم فجر را تحریم نمی‌کنم

## جشنواره فیلم فجر و پرونده فیلم‌های سفارتخانه‌ای که حاتمی‌کیا رو کرد

# عذرهای بدتر از گناه

مجموعه‌ای از ضعیف‌ترین و آماتوری‌ترین فیلم‌ها برای بخش مسابقه سینمای ایران سی و یکمین جشنواره فیلم فجر انتخاب شده بود که زمانی برای خود حرمت و اعتباری داشت و با این انتخاب‌های ضعیف همه آن اعتبار زیر علامت سؤال رفت.

فیلم‌هایی همچون قاعده تصادف (بهنام بهزادی)، آسمان زرد کم عمق (بهرام توکلی)، هیچ کجا هیچ کس (ابراهیم شیبانی)، زبیاثر از زندگی (انسیه‌شاه حسینی)، خسته نباشید (محسن قرایی)، کلاس هنرپیشگی (علیرضا داوودنژاد)، حوض نقاشی (مازیار میری)، عقاب صحر (مهرداد خوشبخت)، چه خوبه که برگشتی (داریوش مهرجویی)، قصه عشق پدرم (محمدرضا ورزی)، گام‌های شیدایی (حمید بهمنی) و برلین منفی هفت (رامتین لوافی) که گرچه بعضا با سرمایه‌های هنگفت دولتی تولید شده بودند ولی از یک ساختار سینمایی درست و درمان بی‌بهره بوده و در سطح دم‌دستی‌ترین فیلم‌های آماتوری، اغلب طرح‌های یک سطری (که شاید در اندازه یک فیلم کوتاه ۲۰-۱۰ دقیقه‌ای جواب می‌داد) را به آثار به‌اصطلاح سینمایی ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه بدل ساخته و به شعور و فهم مخاطب توهین روا داشته بودند. این درحالی بود که فیلم‌های خوش ساخت و حرفه‌ای مانند «سر به مهر» به کارگردانی هادی مقدم‌دوست و «تنهای تنهای تنها» ساخته احسان عبدی‌پور از بخش اصلی مسابقه سینمای ایران محروم مانده و اثر تکان دهنده دیگری به نام «فرشتگان قصاب» ساخته سهیل سلیمی (به دلائل واهی) در هیچ یک از بخش‌های رقابتی قرار نگرفت. در ترکیب هیأت‌های داوری جشنواره سی‌ویکم فیلم فجر در هنگام اعلان خبر، مورد حیرت و شگفتی کارشناسان و منتقدان قرار گرفت.

طبیعی بود حاصل چنین داوری‌ای، سیمرغ بلورین بهترین فیلم برای اثر تحریف‌گرانه و پرخرجی به نام استرداد (علی غفاری) شد که رگه‌های تجلیل از دوران پهلوی در آن بارز بود و جایزه بهترین فیلمنامه به یک فیلم کم‌مایه و ضعیف و از سوی دیگر ضد خانواده و مروج سبک زندگی بی‌بند و بارانه لیبرالی به نام قاعده تصادف (بهنام بهزادی) اختصاص یافت که از ساده‌ترین و پایه‌ای‌ترین اصول فیلمنامه‌نویسی بی‌بهره بود، چه برسد به جذابیت‌ها و خارقیت‌ها.

البته جایزه ویژه‌اش هم به یک شوی خانوادگی دیگر از علیرضا داوودنژاد تعلق گرفت که نه فیلمنامه‌ای داشت و نه کارگردانی فقط این بار جنباب کارگردان هوس کرده بود تا مامین پشت دوربین و جلوی دوربینش، یک خط فرضی لوس و بی‌مزه بکشد تا بار دیگر گروهی را به‌اصطلاح سرکار بگذارد و انگار بیش از همه، همین حضرات داور سرکار رفتند.

### سانسور فیلم‌های ضدسلطه

### در بخش مسابقه سینمای بین الملل

متأسفانه در بخش مسابقه بین‌الملل سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر از تنها فیلم‌های ایرانی که می‌توانستند نمایشی ترکیبی از نگاه و نگرش ایرانی به جامعه خودی و مسائل جهانی داشته باشند، خبری نبود. فیلم‌هایی که به قول یکی از منتقدان، ضدسانسور بودند و سد سانسور این‌گونه موضوعات در سینمای ایران را شکستند اما در جشنواره فیلم فجر سانسور شدند. فیلم‌هایی مانند «فرشتگان قصاب» و «تنهای تنهای تنها» که اولی در هیچ یک از بخش‌های رقابتی حضور نداشت و دومی را فقط در بخش مسابقه فیلم‌های اول راه دادند در حالی که به لحاظ قوت ساختار سینمایی تقریبا ده‌ها بار از اغلب فیلم‌های بخش مسابقه سینمای ایران و فیلم‌های ایرانی بخش مسابقه بین‌الملل سرتز بودند. فیلم‌هایی که (به‌دلیل موضوعات ضدسلطه و عدالت‌طلب‌شان) شانس‌ی برای انتخاب در دیگر جشنواره‌ها نداشتند. اما متأسفانه این فیلم‌های خوش ساخت و قوی که می‌توانستند حرف‌های برحق انسانی، اسلامی و ایرانی را به گوش جهانیان برسانند و (به‌دلیل وجود لابی‌های مخلف صهیونیستی) در هیچ جشنواره جهانی راه پیدا نکردند، در بخش بین‌المللی جشنواره فیلم فجر نیز

جشنواره از رونق افتاد. من جشنواره را تحریم نمی‌کنم. مثل دوران ۸۸ که تلویزیون را تحریم نکردم، چون تلویزیون برای ماست و آن را تحریم نمی‌کنم. من به تلویزیون می‌گفتم اگر برنامه زنده داشته باشی، می‌آیم. الان هم جشنواره فیلم فجر را تحریم نمی‌کنم و معتقدم باید بگذارم کسانی که به جشنواره اعتقاد دارند، آن را برگزار کنند. برخی نمی‌توانند مخالف خود را تحمل کنند ولی من می‌توانم مخالف خود را تحمل کنم. حتی

اگر در قدرت باشم هم می‌توانم مخالف خود را تحمل کنم. من سال‌هاست جشنواره نمی‌روم و این به علت مخالفت با مدیران و دولت فعلی نیست. آنهایی که ادعای آزادی دارند و تمرین آزادی می‌کنند، باید بگذارند مخالف آنها هم حرف خود را بزنند. اگر بگذارند مخالف حرف خود را بزنند، گفت‌وگو اتفاق می‌افتد. همان چالشی که سال‌هاست در کشور ما فراموش شده.»



رهنمون می‌کرد. چنانچه علی‌رغم نامزدی فیلم «ج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در هشت رشته و دریافت پنج جایزه اما هیچ جایزه و سیمرغی در دستان ابراهیم حاتمی‌کیا (به‌عنوان اصلی‌ترین پدیدآورنده فیلم یعنی کارگردان و نویسنده) قرار نگرفت و حتی سیمرغ جایزه ملی که باید به تهیه‌کننده فیلم اعطا شود به سرمایه‌گذار یعنی بنیاد سینمایی فارابی و مدیر آن تعلق گرفت!

این درحالی بود که برای اولین بار در این جشنواره و در اقدامی نادر و کم‌سابقه در تاریخ جشنواره‌ها، جایزه بهترین فیلم به دو اثر (رستاخیز و آذر، شهذخت، پرویز ودیگران) اعطا شد و دو سیمرغ هم به‌عنوان جایزه ویژه هیات داوران (به فیلم‌های قصه‌ها و شب‌ار ۱۴۲) اهدا شد. یعنی از میان ۶-۵ فیلمی که در رشته‌های بهترین فیلم و بهترین کارگردانی (جایز اصلی جشنواره) نامزد بودند، چهار فیلم به‌انحای مختلف جایزه دریافت کردند که در کمال حیرت و تأسف، ابراهیم حاتمی‌کیا از سوی هیات داوران شایسته هیچ‌کدام از جایز یا شده تشخیص داده نشد!

این درحالی بود که به اذعان بسیاری از کارشناسان سینما و

### مکت

### +

## پول پاشی جشنواره های خارجی

ابراهیم حاتمی‌کیا در جلسه‌پس از نمایش فیلم «ج»، به فیلمسازان و فیلم‌هایی اشاره کرد که از برخی سفارتخانه‌های خارجی یا جشنواره‌های اروپایی پول و هزینه‌های شان را دریافت می‌کنند یا هنگامی که گفت افتخار می‌کند برای صحنه‌های دشوار فیلم، از عوامل ایرانی بهره جسته تا فیلم‌ها و فیلمسازانی را که علی‌رغم همه غنای تکنیکی و تخصصی سینمای ایران، به عوامل خارجی روی می‌آورند در مورد انتقاد قرار دهد یا وقتی هیات انتخاب و مسئولان جشنواره را به‌دلیل نپذیرفتن ابتدایی و بدون پارتی بازی فیلم شب‌ار ۱۴۳، مورد نکوهش قرار داد؟ (فیلمی که در همین مراسم اختتامیه سه سیمرغ بهترین بازیگر زن، جایزه ویژه و جایزه مردمی را دریافت کرد و بارها مورد تشویق حضار قرار گرفت)، آیا این‌گونه برخورد با یک انتقاد ساده و مشفقانه، درغلطیدن به وادی افراط‌گرایی و تندروی نبود؟ آیا سرکوب هر نظر مخالف ولو درست و صحیح، عمل به شعارهایی است که ریاست دولت یازدهم از آغاز حضور خود در رقابت‌های انتخاباتی اعلام کرد؟

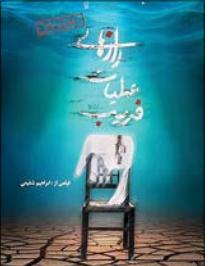
## رازهای عملیات فریب» در قآب مستند فاش می شود

«رازهای عملیات فریب» به کارگردانی ابراهیم شیفعی، روایتی موشکافانه از یکی از مهم‌ترین عملیات‌های تاریخ دفاع مقدس است که به‌تازگی با پشت سر گذاشتن آخرین مراحل تولید، آماده شده و یکشنبه ۹ بهمن در سایت هاشور منتشر می‌شود.

این مستند عملیات کربلای ۴ را از جنبه‌های مختلف مورد واکاوی قرار داده و از زبان فرماندهان جنگ به بررسی دقیق آن پرداخته است.

همچنین با مروری بر اسناد تاریخی، تصاویر آرشیوی و مصاحبه‌های فرماندهان درگیر در این عملیات به شبهاتی که پیرامون لو رفتن آن وجود دارد، پاسخ داده است. از سوی دیگر، موضوع عملیات فریب، علت حمله، آمار شهدا و مفقودین کربلای ۴ مورد بررسی موشکافانه قرار گرفته است.

مستند رازهای عملیات فریب که در قالب گزارش و آرشیو ساخته شده، سراغ تعدادی از افراد مطلع در دفاع مقدس و چهره‌های نام‌آشنا رفته است که از آن جمله می‌توان به حسین...، کرم، رحیم قمیشی، علی مسجدی، نعمت...، حکیم و حسین محمدی که همگی از فرماندهان شاخص کربلای ۴ بودند، اشاره کرد. / هنرآنلاین



### رویداد

## «خانه خاموش» برگزیده «فیباداک»



مستند «خانه خاموش» به کارگردانی

مشترک فرناز جورابچیان و محمدرضا

جورابچیان موفق به کسب جایزه از بخش

مسابقه اصلی جشنواره بین‌المللی فیلم

مستند «فیباداک» فرانسه شد. این

مستند در بخش مسابقه اصلی جشنواره بین‌المللی فیلم مستند فیباداک در کشور

فرانسه روی پرده رفت و توانست جایزه «میترا» ویژه بهترین مستند اول د دوم،

ساخته یک کارگردان در جشنواره را از آن خود کند. بخش بین‌المللی این اثر مستند،

به عهده شرکت «الی ایمیج» به مدیریت الهه نوینخت است. «خانه خاموش» در

نخستین حضور بین‌المللی خود در بخش رقابتی اصلی در سی و پنجمین دوره

جشنواره بین‌المللی فیلم مستند آمستردام (ایفا) در هلند به نمایش در آمد و با

۱۲ فیلم دیگر در بخش مسابقه اصلی این جشنواره به رقابت پرداخت. این فیلم

همچنین نامزد دریافت جایزه بهترین مستند اول بلند این رویداد معتبر سینمایی

بود. جشنواره بین‌المللی فیلم مستند فیباداک از ۲۰ تا ۲۸ ژانویه ۲۰۲۳ (دی ۸ تا

۹ بهمن) در شهر بیارنتر فرانسه برگزار شد. / اسپنا